

## جلسه مسئولان آموزش و پرورش استان یزد

با

## حجت الاسلام والمسلمین استاد حاج علی اکبری



سفر استان یزد

۱۳۹۲/۱۲/۰۷

## فهرست

- ویژگی‌های یزد و یزدی‌ها
- یک هشدار
- پدیده خطرناک خودفریبی
- تهاجم فرهنگی، عرصه‌ی اصلی فعالیت دشمن
- ضرورت پرهیز از یأس
- کوچک نشان دادن اهمیت تهاجم، ترفند اصلی دشمن
- ساحت اصلی مبارزه با نظام سلطه در حوزه تربیت است
- یگانه راه نجات
- اهمیت سبک زندگی
- دانش‌آموز، عنصر اصلی مبارزه
- ضرورت مغتنم شمردن فرصت خدمت

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### ویژگی های یزد و یزدی ها

عزیزان و دانش آموزان ما در استان ولایتمدار یزد که در کشور به دارالعبادة و دارالعلم شناخته شده است، ان شاءالله همواره بیش از پیش بهره مند باشند. شما در استان یزد با جمعیتی کار می کنید و در محیطی خدمت می کنید که هویت ایمانی آنها در کشور کاملاً شناخته شده است و به این مسئله هم ضمیمه بفرمایید آنچه که باز از محاسن شما است و آن اینکه هویت یزدی مساوی است با هویت ایرانی ایمانی؛ یعنی با پراکنش قومی و مسائلی از این دست مواجه نیستید. یعنی ذات ملت ایران هستید و این مزیتی است که شما از آن بهره مند هستید و البته کمتر به آن توجه می شود. این ویژگی را باید خیلی قدر دانست و این مسئله به نظر ما با ملاحظه ریشه ها و میانی خیلی خوبی که بحمدالله در فرهنگ و ایمان و دین مردم این سامان وجود دارد، زمینه را برای اقدامات فرهنگی و عملیات فرهنگی و تربیتی آسان تر می کند؛ ولی به همین نسبت، توقعات را از شما و مردم این سامان افزایش می دهد.

خوشبختانه ما همیشه از استان یزد خبرهای خوبی در بخش های علمی شنیده ایم. در هر سفری که به استان شما داشتیم، یک نوع پیشسازی را در دانش آموزان عزیز استان در عرصه علمی مشاهده کردم. در بعضی از شهرستان های شما یک نوع پیشگامی در عرصه علمی وجود داشته است. به این مسئله ضمیمه می کنیم یک نوع نجابت و حالت برجسته شخصیتی که در فرزندان این استان از قدیم مشاهده شده و بحمدالله این هم از سرمایه های بزرگ شما است. ما در هر نوبت که بچه هایمان را در این منطقه می بینیم، همین احساس را داریم.

## یک هشدار

همزمان یک اتفاق متفاوتی هم در حال رخ دادن است که مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که قشر جوان استان یزد با آسیب‌های نوپدید مواجه است. گاهی این آسیب‌ها به خاطر بافت عمومی مذهبی استان، جنبه پنهانی پیدا می‌کند. من از وقتی که این مسئله را با بررسی مطالعات و گزارش‌های مختلف فهمیدم، همیشه یک نگرانی ممتدی را در ارتباط با استان شما احساس کردم که گاهی باید در همین جلسات کیفی و کلیدی که در استان تشکیل می‌شود، به این آسیب، هم توجه شود و هم به اقتضا مورد مباحثات دقیق قرار بگیرد. چراکه در جاهایی که آسیب‌ها آشکارتر است - اگرچه این مسئله برای فضای عمومی جامعه مناسب نیست - کسانی را که دست‌اندرکار هستند، برای پیشگیری، مراقبت و درمان حساس‌تر می‌کند. اما در جاهایی که آسیب‌ها پنهان هستند، به مرور فروپاشی درونی اتفاق می‌افتد. البته در اینجا الان این وضعیت را نداریم. ولی مناطقی که نوعاً این ویژگی را دارند، یک نوع فروپاشی عمومی اتفاق می‌افتد و موربانه‌وار ریشه‌های هویتی آنها آسیب می‌بیند؛ منتها ظاهر امر این را به ما نشان نمی‌دهد.

من این معضل را در بعضی از شاخص‌های فرهنگی و تربیتی در استان شما برجسته‌تر دیدم. مثلاً وقتی که آمار آسیب‌های اجتماعی در محور طلاق را به مناسبت وظایفی که داشتم و بعدها علائقی که در من پیدا شد، ملاحظه می‌کردم، می‌دیدم این معضل خودش را نشان می‌دهد. آنچه در ارتباط با آسیب‌های درونی خانواده در محور طلاق و فروپاشی داریم، اصلاً با طبع مردمان یزد، با اصالت‌شان، با نجابت‌شان و ریشه‌هایشان قابل مقایسه نیست. این نشانه‌ی همان اتفاقات پنهانی است که عرض کردیم. یا در ارتباط با حوزه مجازی و مراجعه به اینترنت و سایت‌ها، گزارش‌هایی که وجود دارد، گاهی نشان‌دهنده علائم خطرناکی است و حکایت از مراجعات ممتد و توقف‌های زیاد در سایت‌هایی دارد که به‌سختی می‌توان آن را باور کرد. وقتی این مسئله را در محیط عمومی بررسی می‌کنیم، به خاطر صلابت دینی و نجابت و وضعیت خاصی که از قدیم در یزد حاکم بوده، خودش را کمتر نشان می‌دهد. البته متأسفانه امروزه در محیط عمومی شهر، بعضی جاها علائم ظاهری این مسئله خود را نشان می‌دهد، اما این علائم ظاهری نشان‌دهنده‌ی عمق مسئله نیستند. در چنین موردی باید متفکران، مدققان، محققان و اهل بصیرت در حوزه تربیت به میدان بیایند و کار را به صورت متفاوت بررسی کنند.

## پدیده خطرناک خودفریبی

اتفاق خطرناکی که می‌تواند در شرایط خاصی مثل استان شما با نقاط قوت و ظرفیت‌های ویژه‌اش رخ دهد، عبارت است از پدیده خطرناک خودفریبی. به تعبیر قرآن کریم، خطرناک‌ترین عاملی است که می‌تواند مؤمن را در مسیر ایمانش سرعتش را بگیرد، نفسش را بگیرد و احیاناً او را دچار بازگشت و استحاله بکند، خودفریبی است. خودفریبی از اینجا شروع می‌شود، معلوم نیست از کجا سر درمی‌آورد. در همان ابتدای کار باید با این پدیده خطرناک مقابله کنیم و نباید از کنار مسئله به‌آسانی عبور کرد. باید جوانب، ابعاد، آثار و ریشه‌های این قضیه را با دقت ملاحظه کرد. بعد برایش نسخه‌های درمانگر عالمانه پیچید و به میدان آورد. همه‌ی ظرفیت‌ها را باید برای مقابله با چنین وضعیتی بسیج کرد. وقتی حالت انفعالی پیدا می‌کنیم، ضریب آسیب‌پذیری‌مان افزایش پیدا می‌کند. در حالی که باید از موضع فعال و قوی با موضوعاتی از این دست مواجه بشویم و برای اعتلای ساحت تربیتی که ریشه‌ها، بنیان و اصول و مبانی‌اش را هم داریم، جانانه وارد میدان شد و عملیات تربیتی را همزمان توسعه داد.

به نظر من طرح این مسئله با ملاحظه‌ی جوانب کار و با ارتباط دیرینه‌ای که خوشبختانه با استان شما و با جوانان استان و با دانش‌آموزانش و با حوزه تعلیم و تربیتی‌اش دارم، بسیار لازم و ضروری بود؛ خصوصاً در این جلسه بسیار مهم و در این روز بسیار عزیز و مهم که در خدمت دوستان عزیزم هستیم. به هر ترتیب، هدف از بیان این نکته این بود که رفع این معضل ملاحظه ویژه خود را می‌طلبد.

## تهاجم فرهنگی، عرصه‌ی اصلی فعالیت دشمن

در کنار این مسئله یک نکته را هم باید دائماً به خودمان یادآوری کنیم. اخیراً در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، که قرارگاه مرکزی و عالی فرهنگ کشور محسوب می‌شود، رهبر معظم انقلاب بیانات بسیار مهمی داشتند. حضرت آقا در آن جلسه شورا که رئیس‌جمهور محترم جدید و سایر اعضای شورا هم حضور داشتند، محورهای اصلی و کلیدی حوزه فرهنگی کشور را فهرست کردند. اگر شما به آن محورها مراجعه کنید و مذاقه بفرمایید، می‌بینید که رهبری عزیز و عالیقدرمان، مجدداً مسئله تهاجم فرهنگی را جزو

محورهای اصلی قرار دادند و به آن پرداختند. آقا به این مضامین فرمودند مطالبی که ما قبلاً درباره تهاجم می‌گفتم، حالا برای همه باورپذیر است. زیرا علائمش آشکار شده است. در گذشته‌ی نه‌چندان دور، خیلی‌ها زیر بار نمی‌رفتند و خیال می‌کردند این مسئله، مسئله‌ی ساده‌ای است. ولی امروزه آسیب‌هایش را در صحنه اجتماع از نزدیک می‌بینیم و لمس می‌کنیم؛ لذا مسئله برای همه واضح شده است. تعبیر حضرت آقا این بود که ابعاد این مخاطره عظیم وقتی به فناوری‌های نو و عرصه مجازی ضمیمه می‌شود، به یک «سونامی» تبدیل می‌شود که هویت‌سوز است و هویت ملت‌ها را بر باد می‌دهد. ملت ما به‌شدت در معرض این آسیب است؛ مگر تدبیری جدی اندیشیده شود. خداوند تبارک و تعالی از ما توقع تدبیر، برنامه‌ریزی، مواجهه و به میدان رفتن دارد؛ البته هر کس عازم میدان بشود، مورد نصرت الهی قرار می‌گیرد و نصرتش تضمین شده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۱</sup> و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راههای خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است».

چنانچه ما وارد میدان بشویم، قطعاً موفق می‌شویم. این موفقیت قطعی به دلایلی است. دلیل اولش عبارت است از اینکه ما سرمایه هویتی مان بسیار عظیم است. دلیل اصلی دیگرش هم نصرت پروردگار متعال برای مؤمنین است. شرط یاری و تأیید حضرت حق، به میدان رفتن و تلاش و کوشش است: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»<sup>۲</sup> و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد».

## ضرورت پرهیز از یأس

یکی از وضعیت‌های خطرناکی که گاهی در مواجهه با عزیزانی که در سطوح مختلف حوزه تعلیم و تربیت کار می‌کنند، مشاهده می‌شود، حاکم شدن روحیه ناامیدی است. ان‌شاءالله به هیچ وجه در بین شما چنین روحیه‌ای حاکم نباشد. عزیزانی هستند که به نوعی در برابر حرکت مهاجم احساس رعب و ناتوانی می‌کنند؛ یعنی یک‌جور خودباختگی دارند و نمی‌دانند که چکار کنند. این وضعیت هر روز عرصه‌های تازه‌ای را فتح می‌کند.

۱. عنکبوت: ۶۹

۲. حج: ۴۰

خطرناک‌ترین وضعیتی است که ممکن است پیش بیاید، این است که کسانی حالت رعب پیدا کنند، به طوری که گویا نمی‌شود کاری کرد، در نتیجه مبارزه و تلاش را رها می‌کنند؛ در حالی که اتفاقاً در این عرصه ما بحمدالله و به فضل الهی، نقاط قوت‌مان بر نقاط ضعف‌مان غلبه دارد. ما با تکیه بر نقاط قوت و مبانی و ساختارها، می‌توانیم به فضل الهی در این مقطع بسیار حساس و خطیر، از عهده کار بر بیاییم. منتها اول باید تهاجم را باور کرد. بعد فعالیت‌های دشمن را رصد کرد تا با جریان تهاجم دشمن، به صورت فعال مواجه شد و در این جریان مواجهه فعال، عنصر اصلی را هم که می‌خواهیم به میدان بفرستیم، دانش‌آموزان و نسل جدیدمان باشند. خود اینها را به میدان این مبارزه بفرستیم.

مقام معظم رهبری، مسئله‌ی تهاجم را با عناوین مختلف مطرح فرموده‌اند. گاهی با عنوان «تهاجم فرهنگی»، زمانی با عنوان «شیخون فرهنگی» و در برهه‌ای دیگر، با عنوان «ناتوی فرهنگی» و «قتل عام فرهنگی». منتها عده زیادی نشنیدند یا باور نکردند؛ بنابراین به میدان نیامدند. امروز امور تربیتی ما در آموزش و پرورش، براساس همان راهبرد، باید قوی‌ترین و فرازمندترین بخش آموزش و پرورش باشد. یعنی عناصر فرهیخته، درجه یک، زبده، آموزش‌دیده و دارای روح جهادی و حماسی و عازم میدان، در این بخش با قوی‌ترین امکانات حضور داشته باشند تا بتوانند از عهده این مواجهه در اصلی‌ترین بخش عملیات بر بیایند. منتها وقتی تهاجم را باور نکردیم، طبیعتاً کاری هم انجام نخواهیم داد؛ چنان‌که در آموزش و پرورش ما جنبه آموزشی بر جنبه تربیتی غلبه دارد؛ یعنی همان آسیبی که همه ما را رنج می‌دهد. در فضای آموزش و پرورش ما غلبه با جنبه آموزشی است و حوزه تربیتی به شدت دست‌کم گرفته شده و در حاشیه قرار گرفته است. البته گاهی وقت‌ها هم به بهانه اینکه می‌خواهیم تقویتش کنیم، کاهش دادیم و از حوزه تخصصی خارج کردیم. استدلالشان این بود همه باید کار تربیتی بکنند و نتیجه می‌گرفتند که پس ما یک نهاد مستقل برای عملیات تربیتی به این شکل لازم نداریم که منجر به تضعیف آن شد. بعدها در عملیات احیای نهاد پرورشی هم کار قوی و موفق انجام نشد. گاهی رفتند سراغ ساختار و دستی به ساختار زدند. گاهی در بخش‌های دیگر تغییراتی به وجود آوردند؛ ولی کاری که لازم بود، اتفاق نیفتد.

البته خوشبختانه در مقطع تغییر هستیم. تحول عمومی رخ داده و وزیر جدید عازم میدان شده و آرایش تازه‌ای شکل گرفته است. در این مقطع تناسب دارد که مسئله تربیت به صورت جدی در دستور کار قرار بگیرد و این اتفاق در درجه اول با همت خود شما شکل خواهد گرفت.

## کوچک نشان دادن اهمیت تهاجم، ترفند اصلی دشمن

در بخش تهاجمی که حضرت آقا فرمودند؛ جریانی می‌خواهد این تهاجم را کوچک جلوه دهد. یعنی از اهمیت آن نزد برنامه‌ریزان بکاهد و آن را به حاشیه ببرد. آن جریان به تعبیر من، عبارت است از عملیات ایذایی دشمن که برای آدم‌های سطحی‌نگر فریب‌دهنده است.

در حال حاضر، بیشتر سروصداها و دغدغه‌ها بر روی حوزه سیاسی و اقتصادی متمرکز شده است. صحنه درگیری پیش چشم ما است و درگیری جدی است و تعارف هم ندارد. عمدتاً اینها است که صدایش بلند است و به گوش می‌رسد و همه می‌شنوند که مثلاً ما الان باید به مصاف دشمن در عرصه دیپلماسی برویم و وارد فرآیندهای مذاکره طولانی و پیچیده بشویم؛ منتها با وسعت بیشتر و نگاه تازه‌ای. یک ذهنیت عمومی در جامعه شکل گرفته که گویا درگیری اصلی بین ما و نظام سلطه، مذاکرات پنج به اضافه یک ژنو است. نقطه کلیدی درگیری اینجا است! ذهنیت‌های عمومی این‌طور معطوف می‌شود. یا مثلاً در کنار این قصه، ماجرای جنگ اقتصادی و مسئله تحریم‌ها که به شکلی به این مسئله گره خورده است. یعنی ذهنیت اجتماعی و ذهنیت عموم را با طبیعت از تغییراتی که در ذهنیت نخبگان ایجاد می‌کنند شکل می‌دهند. به این گونه که رویارویی نظام سلطه با ما، معطوف به عرصه‌های اقتصادی بشود. گویا اگر ما بتوانیم گره تحریم‌ها را در جریان عملیات دیپلماسی باز کنیم، همه‌ی گره‌های کشور باز می‌شود و مشکلات ما با جریان نظام سلطه کاهش پیدا می‌کند. اگر آنجا بتوانیم غلبه کنیم، گویا یک غلبه جدی اتفاق افتاده است.

چنین اشتباهی برای ذهن‌های ساده عیبی ندارد؛ اما برای کسانی که دارای ذهن عمیق و پیچیده‌ای هستند، پذیرفتنی نیست. آنها حواس‌شان است که دشمن آبدیده‌ی ما که نباید آن را دست‌کم بگیریم، طی سال‌های طولانی رویارویی و پنجه‌درپنجه شدن، نقاط قوت ما را کشف کرده است. بنابراین تمام طراحی عملیاتی خودش را بر آن منطقه متمرکز کرده است. عملیات ایذایی را هم برای انحراف ذهن‌ها طراحی کرده و اتفاقاً هیچ‌کدام از عرصه‌های سیاسی و اقتصادی درگیری نهایی ما با دشمن نیست. اینها فراز و فرود دارد؛ یک‌وقت ممکن است ما ضربه بزنیم، گاهی هم ممکن است ضربه با آنها باشد؛ اما اینها سرنوشت‌ساز نیستند. مهم هستند؛ اما سرنوشت‌ساز نیستند. سرنوشت نهایی در جای دیگری تعیین می‌شود؛ در جایی که اتفاقاً نقاط قوت انقلاب اسلامی و ملت ما است و نقاط اصلی عملیات دشمن و نظام سلطه محسوب



می‌شود؛ و آن‌هم چیزی نیست جز عرصه تعلیم و تربیتی که شما در میدان آن هستید. نباید اشتباه بکنیم؛ اینجا محل درگیری است. اشتباه ما خیلی خطرناک و نابخشودنی است. ما حق نداریم اشتباه بکنیم.

### ساحت اصلی مبارزه با نظام سلطه در حوزه تربیت است

اینکه می‌گویم خیلی جدی است، علت دارد. در چند وقت اخیر در جمع‌های دوستان که حضور پیدا کردم، دیدم مسئله‌ای به نام مسئله‌ی تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی و امثال اینها، یا فراموششان شده یا تقریباً با مسئله کنار آمده‌اند؛ این خیلی خطرناک است. در حالی که سرنوشت نهایی ما با جریان نظام سلطه در آنجا مشخص می‌شود. آنها اتفاقاً برای این کار، هم سرمایه‌گذاری کردند و حوصله هم دارند. برای ذهن‌سازی جوانان و نسل آینده ما برنامه‌ریزی کرده و ابزارش را ساخته‌اند. جالب و البته دردناک است که گاهی ابزارش دقیقاً به دست خود ما توسعه پیدا کرده است و ما آن را تسهیل کرده‌ایم. یعنی گاهی خودمان برای عملیات دشمن شبکه کشیدیم و زمینه‌هایش را فراهم کردیم، به خاطر آن غفلتی که عرض کردم. در حالی که میدان اصلی مبارزه آنجا است. من به دوستان‌مان در جلسات اتحادیه دائم این را یادآوری می‌کنم. میدان اصلی مبارزه ما با نظام سلطه، کف حیاط مدرسه است؛ یعنی همین نسلی که الان با آن مواجه هستیم؛ اینجا محل مبارزه است؛ نه در دیپلماسی. به خدا قسم مبارزه‌ی اصلی ما در دیپلماسی نیست، در عرصه‌ی اقتصاد نیست؛ مبارزه اصلی ما آنجا نیست. جنگ اصلی در حوزه تربیت است. اینجا است که اگر دشمن بتواند مداخلات خودش را توسعه بدهد، ما آینده را باختیم. حالا اقتصاد ما به هر درجه از پیشرفت که برسد، با این اوضاع و احوال ما بازنده‌ایم؛ زیرا دیگر چیزی در دست نخواهیم داشت. در اینجا اگر آسیب ببینیم، جاهای دیگر هم آسیب خواهد دید.

در گذشته به مناسبتی بحث «بمب جنسی» را مطرح کردم که کمی سروصدا هم کرد؛ ولی مثل اینکه نمی‌خواستند این صدا خیلی بیپسند؛ لذا با بی‌اعتنایی از کنارش عبور کردند. گفتم شما غافل هستید، هویت نسلی آینده ما را جریان بی‌بندوباری‌ها و فاصله گرفتن از حیا بر باد می‌دهد. این صریح بیان نبی اعظم است که کسی که از حیا بهره‌ای نبرده است، اهل ایمان نخواهد بود. اگر حیا از جامعه رخت بریند، دیگر نمی‌توان به آن دارالعبادة گفت. یک وقت چشمتان را باز می‌کنید، می‌بینید همه چیز از دست‌تان رفته است. الان که این سرمایه را داریم، باید قدرش را بدانیم. آنها درست روی همین عرصه سرمایه‌گذاری می‌کنند و

عملیات‌شان هم تولید سبک زندگی متناسب با خودشان و ذهنیت‌بخشی متناسب با فرهنگ خودشان برای نسل جدید ما است. ابزارش هم که به شکل وسیع شبکه‌سازی شده است. برای نسل‌های جدید محدودیت معنا ندارد. ما با همین یک گوشی که دست بچه‌مان می‌دهیم، بدون هیچ محدودیتی به تمام شبکه‌ها و عرصه‌ها وصلش می‌کنیم.

## یگانه راه نجات

برای جلوگیری از برنامه‌های دشمن، یک راه بیشتر نداریم. یک راه، راه نجات است. راه نجات ما در این عرصه تکیه بر نقطه قوت خودمان است. نقطه قوت ما بود که انقلاب اسلامی را پدید آورد. نقطه قوت ما عبارت است از «هویت ایمانی جامعه‌ی ما». باید با همه‌ی وجود روی آن تأکید کنیم و بایستیم و یقین داشته باشیم جامعه بیمه می‌شود و ما به نتیجه می‌رسیم. اگر بچه‌های ما از دوران کودکی با قرآن کریم انس بگیرند، بیمه خواهند شد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «بادروا أولادکم بالحدیثِ قَبْلَ أَنْ یَسْبِقَکُمُ إِلَیْهِمُ الْمَرْجِئَةُ»<sup>۳</sup> قبل از آنکه مرجئه (گروهی از مخالفین) بر شما پیشی گیرند و فرزندان را گمراه کنند، شما بر آنان پیشی بگیرید و به فرزندان سخن حق را بیاموزید». یعنی باید در اولین نقاط شکل‌گیری ذهن و روحیات و عواطف بچه‌ها، این ارتباطات و اتصالات شکل بگیرد و بعد برای تداومش، برنامه‌ریزی کرد. قبل از اینکه دیگران به سراغ بچه‌های شما بروند، شما باید فکری برای فرزندان بکنید. اگر بچه‌های ما با قرآن کریم انس بگیرند و با اهل بیت (علیهم السلام) به صورت ریشه‌ای و درست مانوس بشوند، اگر به فضل الهی و به عنایت پروردگار متعال از همان نقاط اول شکل‌گیری هویتی و شخصیتی، خاطرات شیرین زندگی آنها خاطرات دینی‌شان باشد، بچه‌های ما بیمه می‌شوند. خاک مسجد کیمیایی است که ما هیچ جای دیگر نمی‌توانیم نظیرش را پیدا کنیم. اصلاً رقیب و شبیهی ندارد. اگر بچه‌های ما در مسجدهایمان بزرگ بشوند، بیمه می‌شوند. اینها نقطه‌های قوت ما است.

اگر مسجدهای ما که ضعیف باشند، به‌روز نباشند، برای کودک و نوجوان ما پرجاذبه نباشد، اتصالات ذهنی و فکری بچه‌های ما در حوزه‌های معرفتی با قرآن و اهل بیت از مبادی خودش به‌درستی برنامه‌ریزی نشود و

۳. کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۴۷.

با جاذبه‌ها هماهنگ نشود و هنرمندانه ارتباطات را برقرار نکنیم، فرزندانمان در معرض آسیب جدی قرار می‌گیرند. لازم نیست برویم سراغ کارهای خیلی پیچیده. بعضی وقت‌ها کار را که خیلی پیچیده می‌کنیم، خودمان هم می‌مانیم که چه کار کنیم! تنها راه پیش‌روی ما، مصونیت‌بخشی به بچه‌ها است. راه دیگری نداریم. این مبانی به بچه‌های ما مصونیت می‌دهد و خدای متعال فرزندان ما را در هر مکان و تحت هر شرایطی، حفظ می‌کند؛ چون ظرفیت حفاظتی در آنها وجود دارد. باید بخشی را تقویت کرد که اگر آسیب ببیند و ضعیف باشد، فرزند ما در معرض آسیب‌های نوپدید خودش را می‌بازد.

### اهمیت سبک زندگی

حضرت آقا(روحی فاده) در آن سخنرانی تاریخی‌شان در خراسان شمالی، مسئله‌ی سبک زندگی را مطرح کردند. پس از آن سخنرانی، به بررسی فعالیت‌ها و پژوهش‌های صورت‌گرفته در این عرصه پرداختیم. نتایج این بررسی نگران‌کننده بود؛ دیدم کم و بیش به این موضوع پرداخته شده، ولی نگرانی ما از این بود که مسئله‌ی مهم سبک زندگی، به دکانی تبدیل شده بود برای عده‌ای که چیزی منتشر کنند و مقاله‌ای بنویسند و سخنرانی کنند! گویا با این کارها سبک زندگی درست می‌شود و با چهار تا همایش مسئله حل می‌شود! در حالی که حرف آخر را آقا زدند. در آن سخنرانی فرمودند: روح تمدن اسلامی، سبک زندگی است. ما در این بخش ضعف داریم، تاکنون به آن نپرداخته‌ایم، قوی کار نکرده‌ایم - این‌ها مضامین سخنان حضرت آقااست - و الا در بخش سخت تمدن هرچه جلو برویم؛ فایده‌ای ندارد. راه و جاده و امکانات و تکنولوژی هسته‌ای و موشکی و فضایی و... هرچه که دلتان می‌خواهد و نمی‌خواهد و فکر می‌کنید و نمی‌کنید، همه را داشته باشیم، اگر در این قسمت ضعیف باشیم، همه‌ی هستی‌مان بر باد فنا است. اینجا آنجایی است که باید بایستیم و این کار، کار تربیت اسلامی و حوزه تربیت اسلامی است و این کار را نباید پیچیده‌سازی کرد. چرا بعضی‌ها این قدر کارها را پیچیده می‌کنند؟ خیال می‌کنند ما باید این قدر این مسئله را در قالب الفاظ و اصطلاحات بیپچانیم! به بعضی از دوستان من می‌گویم شما هنرستان تضعیب (پیچیده کردن) است، نه تسهیل (آسان‌سازی). به قدری فرمولش را پیچیده می‌کنند که به گمان‌شان دیگر نمی‌توان کاری انجام داد. اتفاقاً این بخش اصلاً پیچیدگی ندارد؛ چون مبانی‌اش دست ما است. به فضل الهی ما از

معارف و حیانی بهره‌مندیم و الحمدلله نقشه راه را هم داریم. نقشه صیانت نسلی دست ما است. باید همین‌ها را بگیریم و پای آن بایستیم، جدی باشیم و به امید خدای متعال کار را پیش ببریم.

کار شما در این بخش سهل و ممتنع است و خودتان می‌دانید و اشراف دارید که اصلی‌ترین کاری است که در جامعه ممکن است به کسی سپرده بشود. اصلی‌ترین و حساس‌ترین کار همان کاری است که الان دست شما است. ان شاءالله که بتوانید به فضل الهی، با همت این عرصه را پیش ببرید.

### دانش‌آموز، عنصر اصلی مبارزه

به نظرم نکته کلیدی در جریان مبارزه، عنصری که باید سهم اصلی را در عملیات به عهده بگیرد، دقیقاً باید خود بچه‌ها باشند.

نامه ۳۱ نهج‌البلاغه منشور تربیتی جاودانه اسلام و تشیع است. من به دوستانی که دنبال این بودند که نامه ۵۴ را که نامه امیرالمؤمنین به مالک اشتر است ثبت جهانی بکنند و این را هم انجام دادند، چون نامه ۵۴ یک مقدار ناظر به عرصه‌های سازماندهی‌های سیاسی و اجتماعی است، بیشتر مورد توجه است. قوی‌تر از آن، نامه ۳۱ است. نامه ۳۱ منشور تربیتی جاودانه اسلام و تشیع است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این نامه نورانی چه کرده است؟! تمام راه‌ها را به زیبایی و به ظرافت نشان داده و پیش چشم ما قرار داده است. در آن منشور، خطاب به جوانی است که وارد این عرصه می‌شود: «من الوالد الفان الی المولود» این نامه از پدر به فرزند است؛ یعنی ناظر به نسل است و با نسل جدید حرف می‌زند. با نسل جدید که حرف می‌زند، اولین پیام امیرالمؤمنین (ع) این است که جوان‌ها خودشان باید به میدان بیایند. خیال نکنید ما می‌توانیم اینها را گلخانه‌ای نگهداری کنیم و امر تربیتشان را پیش ببریم. خیال نکنید کار اصلی را در حوزه‌های تربیتی دیگران می‌توانند برای بچه‌ها انجام بدهند. کار اصلی را خود بچه‌ها می‌توانند انجام بدهند؛ منتها با راهنمایی و تحت مراقبت مربی فهیمی که میدان‌ها را باز می‌کند و به بچه‌ها روحیه می‌دهد. ولی باید بچه‌ها را برای ورود به میدان تجهیز کرد. حضرت در آن نامه فرمودند: «وَ أَوْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنُّ مِنْ أَهْلِهِ» خواهش می‌کنم دوستان روی این جمله فکر کنند. آیا این، غیر از تربیت فعال است؟ ما معمولاً می‌گوییم: «کن من اهل المعروف فأمر بالمعروف». اول خودت اهل معروف شو، بعد به دیگران امر کن. اما حضرت برعکسش را می‌گویند. می‌گویند تو امر به معروف بکن تا اهل معروف بشوی: «وَ أَوْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنُّ مِنْ

أَهْلِهِ؛ «تکن من أهله» نتیجه است؛ یعنی وارد این میدان بشوی، اهل معروف می‌شوی. این همان تربیت فعال است که ما به آن نیازمندیم و در این شرایط، خود بچه‌های ما باید به میدان بروند.

در جریان جنگ نرم که آقا آن را مطرح کردند، خطاب به جوان‌ها و دانشجویان نگفتند که شما «سربازان» جبهه جنگ نرم هستید؛ بلکه فرمودند: شما «افسران» این عرصه‌اید. این همان نگاه امیرالمؤمنین(علیه السلام) است. این یعنی تو باید بروی وسط میدان. خیال نکن باید اینجا بنشین و کسی هوای تو را داشته باشد و دور تو حصار ایجاد کند و بخواهد از تو حفاظت کند. چنین چیزی اگر در گذشته‌ها ممکن بوده، که نبوده، امروزه اصلاً امکان ندارد و فرداً اصلاً نمی‌شود راجع به این فکر کرد. این آن نگاهی است که دوستان باید به آن بپردازند.

ما امروز از چند مدرسه بازدید کردیم. ویژگی و نکته‌ی جالب این بازدیدها این بود که اولین کسانی که به استقبال ما می‌آمدند، مدیران محترم مدارس نبودند؛ بلکه اولین کسی که احساس مسئولیت می‌کرد، یک دانش‌آموز بود! منتها دانش‌آموزی که قدرت رهبری و سازماندهی همسن و سال‌های خودش را دارد. ابتدا دانش‌آموز جلو می‌آمد، بعد او بود که مدیر را به من معرفی می‌کرد.

وارد مدرسه که می‌شوی می‌بینی که این بچه‌ها وسط میدان هستند. نمونه‌ای را که این بچه‌ها انجام داده بودند، به مناسبت چیزی که امروز در جریان بود، برقراری ارتباط با شهدا و فرهنگ ایثار و شهادت و ایجاد خانه شهید در یک مدرسه بود. خیلی صحنه دیدنی بود. حقیقتاً دیدنی بود. تماشایی بود آنچه مشاهده کردیم و برای ما پیام‌های جدیدی داشت. این خود بچه‌ها بودند که سلیقه و ابتکار خودشان را به میدان آوردند و با هم‌سن‌وسال‌های خودشان حرف زدند.

جالب است که در یکی از مدرسه‌ها بچه‌ها نرفتند بودند سراغ شهدای دفاع مقدس. یک دختر خانم گفت: ما باید شهدای سال ۹۰ خودمان را هم بشناسیم. من ذهنم سراغ شهدای هسته‌ای رفت و با خودم گفتم لابد منظورش این افراد است. بعد که آنجا رفتم، دیدم یک نمایشگاه درست کردند از شهدایی که در عملیات با پژاک به شهادت رسیدند.

برای من تکان‌دهنده بود وقتی دیدم دانش‌آموز شانزده هفده‌ساله تمثال شهید عزیز را گذاشته، راجع به شخصیت شهید مطالعه کرده، سیمای او را آورده، عکسش را پیدا کرده، وصیت‌نامه‌اش را استخراج کرده و

جلوی چشم سایر بچه‌ها گذاشته که البته بزرگ‌ترین پیام را برای ما داشت. وصیت‌نامه شهدای جدید که در این عملیات‌ها به شهادت رسیدند، واقعاً تکان‌دهنده است. گاهی به‌مراتب قوی‌تر از وصیت شهدای دفاع مقدس ما بودند.

دانش‌آموز ما خودش وارد این عرصه شده، مواردی را کشف کرده و دست به طراحی هنرمندانه زده است. یک مدیر باشعور و باکفایت، یک مربی فهیم باکفایت، پشت این عملیات است که این بچه را به میدان فرستاده و راهنمایی کرده است. بچه‌ها سازماندهی شدند، خودشان را شبکه کردند، سایر دوستان‌شان را شناسایی کردند و عملیاتی از این قبیل را وسط صحن مدرسه‌شان انجام دادند. خوب، این همان عملیات هویت‌بخش است. منتها امور تربیتی ما نباید این کارها را انجام بدهد. امور تربیتی جدید ما باید راهبری عملیات تربیتی را داشته باشد؛ نه اینکه عملیات تربیتی انجام بدهد. اشتباه نکنیم. اگر ما وارد عملیات تربیتی بشویم جواب نمی‌گیریم؛ مخصوصاً در این رویارویی سخت کنونی. در این عملیات تربیتی، مربی فهیم، معلم رشید و مدیر باکفایت ما عملیات تربیتی را راهبری می‌کنند. نباید فقط یک رابطه معلم و شاگردی صرف باشد. باید زمینه‌سازی کنیم تا استعداد دانش‌آموزان شکوفا بشود و به میدان بیایند. در این صورت است که دانش‌آموز ما خودش عنصر هویت‌ساز را شناسایی کرده؛ چیزی که به فکر ما هم نمی‌رسیده است. مثل یک گنج کشفش کرده، استخراجش کرده، به مدرسه آورده و تحویل هم‌سن و سال‌های خودش می‌دهد. این اتفاق می‌تواند صدها نمونه داشته باشد.

کاری که شما در تجربه‌ی نمایشگاه «مدرسه انقلاب» دیدید. من خدمت مقام معظم رهبری نمونه‌هایی را که دیده بودم، عرض کردم؛ ایشان خیلی خوشحال شدند. عرض کردم آقا بچه‌ها روایتگری می‌کنند. خیلی برای ایشان شیرین بود. گفتم دانش‌آموز ایستاده، یک چوبک هم به دست گرفته و به سایرین توضیح می‌دهد که ما این جوری بودیم، حالا اینجا هستیم، این خطرات ما را تهدید می‌کند، آسیب‌های انقلاب اسلامی این موارد است. امروزه به این مدل نیاز داریم.

این یک نگاه متفاوت است از یک منظر متفاوت. اتفاقاً در این زاویه دید ما نیازمان به ساز و برگ و امکانات خیلی کمتر است. در همین نمایشگاه مدرسه انقلاب دوم که بچه‌ها برگزار کردند، این قضیه کاملاً مشهود بود. به من گفتند: حاج آقا ما بررسی کردیم دیدیم که مدرسه‌مان جا ندارد. دیدیم یک انبار داریم. این انبار را شناسایی کردیم و از مدیر محترم اجازه گرفتیم. اشغال‌های این انبار را تخلیه کردیم و آنجا را به خانه شهید تبدیل کردیم. بعد با یک سبک خاصی آنجا را آرایش دادیم. عکس‌ها را آوردیم، جانماز انداختیم و ...

یک صحنه تکان دهنده‌ای را آنجا درست کردند. در حالی که اگر همین کار را به من و شما سپرده بودند، ابتدا دنبال امکانات می‌گشتیم و بعد هم می‌گفتیم پول نداریم و وقتی هم که پول نداشتیم، نمی‌شود کاری کرد؛ لذا باید کنار بکشیم! ولی این بچه‌ها این جور فکر نمی‌کنند و تا نهایت کار می‌روند.

من امیدواریم ان‌شاءالله با این رویکردی که شما دارید، به فضل الهی به موفقیت برسید؛ مخصوصاً اینکه از مدیری جدید با نام جناب آقای «شیرزاد» - که شجاعت از آن استفاده می‌شود - بهره‌مند هستید که ما اکنون در این عرصه به این عنصر شجاعت نیازمند هستیم که بحمدالله همه‌ی شما از آن بهره‌مندید.

### ضرورت مغتنم شمردن فرصت خدمت

این دوره را مغتنم بشمارید. به هر کسی این توفیق را نمی‌دهند که در دستگاه حضرت حجت بن الحسن المهدی (علیه الصلوٰه و السلام و ارواحنا فداه) کارگزار عرصه تربیت باشد. این توفیق شامل هر کسی نمی‌شود. گاهی چند قرن باید بگذرد تا چنین توفیقی نصیب کسی مثل شما بشود. این فرصت استثنایی الان در اختیار شما است. با آن کلیشه‌ای برخورد نکنید. عاشقانه با صحنه مواجه بشوید که الحمدلله سیمای‌تان این را نشان می‌دهد. افتخار کنید و قدر بدانید. این‌ها همه بچه‌های امام زمان هستند. حضرت اینها را به فرزندی خودش قبول کرده و گفته اینها ایتام من هستند. شما به نیابت از حضرت باید این بچه‌ها را بسازید، تقویت کنید و زمینه ساخته شدن و طلوع‌شان را فراهم کنید. نسل انقلاب، نسل تیزی است و آمادگی دارد. عزیزی که در کانون اینجا حضور دارند، این سخن را تأیید می‌کنند. بچه‌هایی که الان متولد می‌شوند و دانش‌آموزان امروز، آمادگی‌هایشان خیلی بیشتر است. البته این لبه تیغ است؛ یعنی از دو طرف آمادگی‌شان بیشتر است و این نشان می‌دهد که مخاطره‌اش بیشتر است.

من امیدوارم در این دوره در استان هم اتفاقات بزرگی بیافتد. دوستان ما هم در اتحادیه در خدمت شما هستند و خوشبختانه قائل به عملیات تربیتی خودجوش هستند.

این میدان را برای دوستان انجمن‌ها فراهم بفرمایند تا دوره تازه‌ای از همکاری‌های جدی را در این بخش، به فضل الهی شاهد باشیم.

از دوستان عزیزمان در اتحادیه استان، آقای فرهید و همکاران عزیزشان، هم در حضور مدیرکل محترم و معاونین عزیزشان و شما بزرگواران و گرامیان تشکر می‌کنم و همچنین عزیزانی که در شهرستان‌ها با همین بضاعت مزجات مشغول خدمت و عملیات تربیتی هستند. از همه‌شان تشکر می‌کنم و از شما هم باتأکید فراوان ممنونم و ان شاءالله که هر روز موفق‌تر از قبل باشید و خبرهای خیلی خوب از استان شما مخصوصاً از آموزش و پرورش از ابتکار و خلاقیت شما به کشور برسد ان شاءالله الرحمن.

و السلام علیکم ورحمة الله.